# نگاهي به سيره تبليغي امام جواد عليه السلام

## مشخصات كتاب

عنوان : نگاهي به سيره تبليغي امام جواد(عليه السلام)
پديدآورندگان :
محمد حاج اسماعيلي(پديدآور)
امام نهم محمد بن علي (ع) (توصيف گر)
ناشر:محمد حاج اسماعيلي
نوع : متن
جنس : مقاله
الكترونيكي
زبان : فارسي
توصيفگر : مجاهده
سيره امامان
مقام امامت
تبليغات
ويرايش : -
خلاصه :
مخاطب :

## اهل بيت امام جواد

زندگاني سراسر افتخار پيامبر اسلام و ائمه‌ي هدي (صلوات الله عليهم اجمعين) از زواياي مختلف قابل بررسي است. روش تبليغي معصومان عليهم السلام نيز مانند ديگر ابعاد زندگيشان اسوه و الگو به شمار مي‌آيد. وقتي از اين زاويه زندگي اين بزرگان را مورد مطالعه قرار مي‌دهيم، خود را با وظيفه‌اي سنگين رو به رو مي‌يابيم؛ زيرا اين نورهاي پاك لحظه‌اي از عمل به تكليف و ابلاغ رسالت الهي غافل نبودند. در سيره‌ي تبليغي امام جواد عليه السلام، موارد زير مهم و در خور تامل مي‌نمايد:

## تبليغ از راه مناظره

### اشاره

بارزترين نوع تبليغ امام جواد عليه السلام مناظره است. مناظره‌هاي آن حضرت (كه از نخستين روزهاي امامتش آغاز شد) وي را در تثبيت جايگاه ولايت و امامت، هدايت حق‌جويان و آشكار ساختن سستي گفتار ستمگران ياري داد. آن حضرت به دو جهت در عرصه‌ي مناظره‌هاي علمي گام نهاد. نخست نياز شيعيان كه با توجه به سن اندك آن حضرت در پي كشف جايگاه معنوي‌اش بودند و دوم خواست مامون و معتصم كه انديشه‌ي خوار ساختن امام و اثبات الهي نبودن آگاهي‌هاي وي در سر مي‌پروراندند. خلفا مي‌كوشيدند با برپا ساختن مجالس مناظره امامان شيعه را رو در روي برخي از دانشمندان بنام زمان قرار دهند تا شايد از پاسخ پرسشي باز مانند و جايگاه معنويشان مورد ترديد واقع شود.

### اهداف امام در مناظره‌ها

### اثبات امامت خود

امام جواد عليه السلام در اين مناظره‌ها پيش از هر چيز در پي اثبات حقانيت‌خود بود. بر اساس گفته‌ي مورخان امام (با آن كه هفت‌سال بيش نداشت) در يكي از محافل به سي پرسش پاسخ داد.

### رسوا ساختن دروغ‌پردازان

امام عليه السلام در مناظره چنان رفتار مي‌كرد كه نادرستي فضائل ساختگي خلفا آشكار شود. در يكي از مجلس‌ها مامون از يحيي بن اكثم خواست پرسشي مطرح كند. يحيي عرض كرد: يابن رسول الله، بر اساس روايت‌ها جبرئيل به پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله عرض كرد: يا محمد، خداوند سلامت مي‌رساند و مي‌فرمايد از ابوبكر بپرس آيا از ما خشنود است؟ زيرا من از وي راضي‌ام؛ در اين باره چه مي‌فرماييد؟ امام عليه السلام فرمود: فضل ابوبكر را انكار نمي‌كنم، ولي آنكه اين خبر را روايت كرده بايد به خبري كه رسول خدا صلي الله عليه و آله در حجة الوداع فرمود توجه كند. حضرت صلي الله عليه و آله فرمود: لقد كثرت الكذابة علي.... دروغ گويان بر من بسيار شده‌اند و نسبت دروغ بر من فزوني يافته است. پس هر كه بر من دروغ بندد، خداوند نشيمن گاهش را از آتش پر مي‌سازد. چنانچه حديثي برايتان آوردند، آن را به كتاب خدا و سنت من عرضه كنيد؛ هر چه با آن موافق بود بپذيريد و آنچه مخالف بود رها سازيد، خداوند مي‌فرمايد: «ولقد خلقنا الانسان ونعلم ما توسوس به نفسه ونحن اقرب اليه من حبل الوريد» به تحقيق ما انسان را آفريديم و مي‌دانيم آنچه نفس به او وسوسه مي‌كند و ما از رگ گردن به وي نزديك‌تريم. روايتي كه شما ذكر كرديد، نشان مي‌دهد خشنودي يا ناخشنودي ابوبكر بر حضرت حق پوشيده بود و اين نزد عقل محال و ممتنع است»

## تبليغ عملي عليه حكومت مامون

مامون امام عليه السلام را بسيار احترام مي‌نهاد و دخترش ام الفضل را، به رغم مخالفت‌هاي گوناگون به عقد وي درآورد. اين برخوردها هرگز امام را به دستگاه خلافت خوش بين نساخت. او خليفه را ستمگر مي‌شمرد و انديشه‌ي مخالفت با آن را در سر مي‌پروراند. بنابر اين، در نخستين فرصت به بهانه‌ي حج سمت مدينه رهسپار شد و در آن ديار اقامت گزيد. حسين مكاري مي‌گويد: هنگامي كه حضرت محمد تقي عليه السلام نزد خليفه جايگاهي والا داشت، وارد بغداد شدم و به ديدار وي شتافتم. چنان مي‌انديشيدم كه حضرت ديگر به مدينه باز نخواهد گشت. چون اين امر را به خاطر آوردم، امام عليه السلام سر فرو افكند. اندكي بعد سربلند كرد و در حالي كه رنگ مباركش زرد شده بود، فرمود: حسين، نان جو و نمك نيم‌كوب در حرم رسول الله صلي الله عليه و آله از آنچه مشاهده مي‌كني برايم بهتر است.

## پديد آوردن حوزه‌ي علمي

پرورش دانش پژوهان روشن بين نيز در شمار روش‌هاي تبليغي امام نهم عليه السلام جاي دارد. آن حضرت ضمن پاس‌داري از حوزه‌اي كه امام صادق عليه السلام بنيان نهاده بود، دويست و هفتاد شاگرد تربيت كرد كه گروهي از آنان نيز از شاگردان امام هشتم شمرده مي‌شدند.

## اعزام نماينده

امام نهم عليه السلام براي خنثا ساختن تبليغات شوم بني عباس و ارائه‌ي اسلام راستين به مردم، نمايندگاني به مناطق مختلف گسيل مي‌كرد. اين نمايندگان، كارگزاران امام عليه السلام شمرده مي‌شدند و در مراكزي چون اهواز، همدان، سيستان، بست، ري، بصره، واسط، بغداد، كوفه و قم زمينه‌ي اتحاد شيعيان و پيوند آنها با معصوم را فراهم مي‌آوردند. امام عليه السلام همچنين به پيروانش اجازه مي‌داد درون دستگاه حكومت نفوذ كنند و پست‌هاي حساس را در دست گيرند. «محمد بن اسماعيل بن بزيع» و «احمد بن حمزه قمي» از اين فرصت بهره بردند و با رسيدن به موقعيت‌هاي ممتاز حكومتي در مسير خدمت به دين و دين‌داران گام برداشتند. «حسين بن عبدالله نيشابوري» حاكم «بست» و «سيستان» و «حكم بن عليا اسدي» حاكم «بحرين» نيز از ياران حضرت شمرده مي‌شدند و خمس دارايي‌شان را نزد وي گسيل مي‌كردند.